

فروشگاه علوم انسانی و معارف اسلامی

ایران شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایرانشناسی (۳۹) / ایرج افشار
- کتیبه‌های هخامنشی / دکتر تورج دریایی
- درباره اسم باستانی خلیج فارس / همایون صنعتی
- صدمین سال ایرانشناسی گوتینگن / دکتر امید طیب‌زاده
- سفرنامه بی‌بی کوبک بختیار / حمید رضائی

۸۳۷ - درگذشت آکیو ایواناکه

با رسیدن نخستین شماره جلد نوزدهم (۲۰۰۳) مجله AJAMES آگاه شدم که A. IWATAKE درگذشته است. او از ایرانشناسان مورخ ژاپنی بود. تا دانشجویی دانشگاه رسیده بود. تحصیلاتش را در دانشگاه کیوتو به راهبری استاد مشهور مینوبو هوندا انجام داده بود و چون استادش به تاریخ مغول علاقه‌مندی داشت در همان قلمرو به پژوهش پرداخته بود. استاد دیگر او E. Mano بوده است. درجه دکتری را در سال ۱۹۹۱ گرفت و از سال ۱۹۹۵ در دانشگاه Kawansei - gakuin به تدریس پرداخت.

در زمینه تحقیقات آنچه نوشت درباره دوره مغولی و ایلخانی ایران است. او از پیشگامانی است که موضوع وقفهای مهم تاریخی ایران را میان محققان ژاپنی مطرح کرد. از جمله براساس کتاب جامع الخیرات (مجموعه وقفنامه‌های سیدرکن‌الدین و سیدشمس‌الدین در یزد - قرن هشتم - و جاهای دیگر) مقاله‌ای نوشت. همچنین به این نکته توجه داشت که میانی و مناسبتها و اهمیت اجتماعی وقف را میان ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی مشخص کند. رساله دکتری او درباره اوقاف دوره ایلخانان و مخصوصاً مقایسه میان جامع الخیرات و وقفنامه ربع رشیدی بود. پرفسور کندو که یادی از او کرده است تأسف خود را چنین بازگو می‌کند: افسوس که او نتوانست رساله خود را به چاپ برساند و نتوانست که مقاله‌ای در زمینه پژوهش اساسی خود به زبانی خارجی ارائه کند.

اهم نوشته‌های او طبق ضبط کندو عبارت است از:

موقوفات خانواده نظام (سید رکن‌الدین) در اوائل قرن هشتم در یزد - دارالسیاده غازان خان - دنباله‌گیری وقف در ایران (نمونه: موقوفات امیر چخماق) - وصف مجموعه الرشیدیه بر اساس گفته مؤلف تاریخ و صاف در نسخه خط مؤلف - قلمرو مغولان در آسیای غربی (ایلخانان) - وقف امیر تیموری (امیر چخماق شامی در یزد). این مقاله اخیر در مجموعه‌ای چاپ شده است که کندو گردآورنده آن است و در سال ۲۰۰۳ در لندن به نام Persian Documents: Social History of Iran and Turan به چاپ رسیده. ترجمه انگلیسی آن مقاله به زبان ژاپنی انجام شده است.

درگذشت ایواتا که برای ایرانشناسی ژاپون ضایعه و برای من دردآور بود. زیرا به مباحثی دل بسته بود که پیوند گاه میان او و من بود. گاهی که نامه‌ای یا مقاله‌ای از او می‌رسید بر شادیم می‌افزود. دلسوزانه به دوستان ژاپونی خود تسلیت می‌گویم.

۸۳۸ - فهرستنامه Iranian Studies

فهرست سی و پنج سال (دوره) از مجله Iranian Studies منتشر شد. تعجب است که بر روی آن فقط ذکر شده است: Cumulative Index, 1968 - 2002، یعنی ذکری از تعداد مجلدات دوره‌ها نکرده‌اند.

فهرست حاوی سه بخش است. نویسندگان - موضوعی - نقد کتابها. عده کسانی که از هر ملبی درین مجله مقاله انتشار داده‌اند به حساب سرانگشتی از ششصد در می‌گذرد. بعضی یک مقاله دارند و بعضی متعدد. البته نقد کتابها را ذیل اسم مؤلفان آورده‌اند.

فهرست موضوعی در برگزیده این زمینه‌هاست: مردم‌شناسی - هنر و معماری - کتابشناسی - اقتصاد - سینما و تئاتر و موسیقی - تاریخ - زبان و ادبیات - مباحث سیاسی - دین - جامعه‌شناسی - مطالعات شهری.

در تنظیم این بخش پاره‌ای مسامحات دیده می‌شود. بطور مثال در بخش ادبیات و زبان مقاله‌های خانم دیویدسن یاد نشده ولی مقاله گارتویت که درباره مرابع و عشایرست درین بخش ذکر شده است.

بخش معرفی و نقد کتابها براساس نام مؤلفان گردآوری شده است و مسامحه کرده‌اند که ذیل هر یک نوشته‌ها نام انتقاد کننده را نیاورده‌اند.

نگاهی به فهرست کتابهای انتقاد شده بخوبی گویاست که توجهی در خور - آن چنان که می‌باید - نسبت به کتابهای به زبان فارسی نداشته‌اند. در حالی که شاید شناساندن خوب و بد

کتابهای چاپ ایران برای آگاهی ایرانشناسان خارجی ضرورت دارد و نباید بی‌خبر بمانند از آنچه در ایران نشر می‌شود (البته مراد کتابهای پژوهشی است). همان طور که اسپراکمن بدین موضوع توجه داشت و در مجلدات ۱۸ و ۱۹ مجله چنان طرحی را به اجرا در آورده بود.

دوره سی و ششم مجله توسط یکی از ناشران انگلیسی انتشار خواهد یافت و بطوری که آگاهی به دست آمده است از دوره سی و هفتم دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان (مقیم آکسفورد) به مدیریت جدید آن انتخاب شده است.

شاید اگر چند صفحه‌ای به تاریخچه مجله تخصیص داده بودند و نام مدیران دوره‌های انتشار مجله گفته شده بود ضرورت داشت.

«ایرانیین استادین» یکی از نخستین مجله‌هایی است که بطور مستقل در زمینه‌های مختلف ایرانشناسی، خارج از ایران به زبان انگلیسی نشر شده است. تاریخ انتشار این گونه نشریات پژوهشی مختص ایران بدین ترتیب بوده است:

1929 Archaeologische Mitteilungen aus Iran. (Germany)

نه دوره زیر نظر هرتسفلد نشر شد.

1946 Indo - Iranica - (India)

مؤسس آن محمد اسحق در کلکته بوده و هنوز انتشار می‌یابد.

1961 Iranica Antiqua (Belgique)

توسط واندنبرگ باستان‌شناس تأسیس شد و هنوز نشر می‌شود

1963 Persica (Netherland)

سالی یک جلد توسط انجمن هلند و ایران نشر می‌شود

1963 Iran (England)

توسط شعبه ایرانشناسی آکادمی بریتانیا و به عنوان نشریه مؤسسه

ایرانشناسی نشر می‌شود.

1968 Iranian Studies (U. S. A)

1968 Archaeologische Mitteilungen aus Iran. Neue Folge (Germany)

دنباله کاری است که هرتسفلد آغاز کرد و فعلاً سالی یک جلد نشر می‌شود

و اخیراً نام «توران» را هم بر آن افزوده‌اند زیرا سرزمینهای ماوراءالنهر استقلال یافته‌اند.

1968 Iranistische Mitteilungen

این نشریه را هلموت کانوس کرده از ایرانشناسانی که در ایران تحصیل کرد،

به سرمایه شخصی انتشار می‌دهد.

1971 Le Monde Iranien et l' Islam (France)

مؤسس آن ژان اوپن بود و بعد کالمار مدیریت آن را در عهده گرفت.

1972 Studia Iranica (France)

توسط مرکز مطالعات ایرانی فرانسه نشر می‌شود.

1974 Acta Iranica (Belgique)

این مجموعه توسط ژاک دوشن گیمن استاد ایرانشناس دانشگاه لیژ تأسیس شد و سی و چهار جلد تا کنون توسط مؤسسه بریل به چاپ رسیده است.

۸۳۹- گنبد سرخ در جروانات

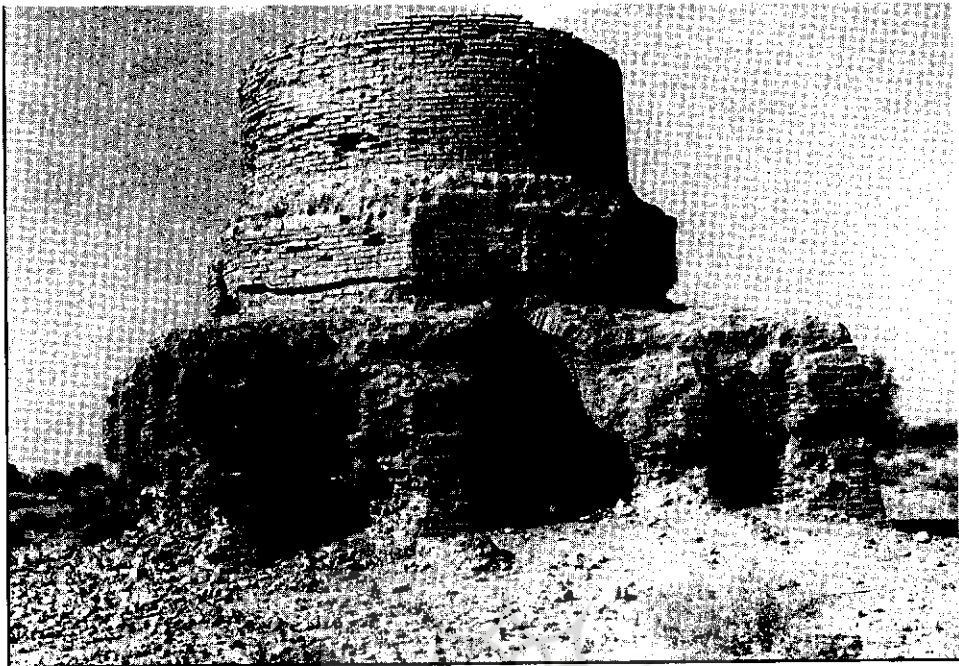
جروانات (جمع جرون) نام گروه آبادیهایی است که بر قسمتهایی از کناره دریا و دشت و کوههای ساحلی ناحیه کنونی میناب گفته می‌شده است. هرموز قدیم هم ویرانه‌هایش در همین منطقه قرار می‌گیرد.

در یکی از آبادیهای این ناحیه به نام گنبد سرخ بقایای بقعه‌ای - که قطعاً آرامگاه فردی متشخص بوده است - قرار دارد و آبادی مذکور به نام آن گنبد نام گذاری شده است.

۵۱

گنبد سرخ از شاهراه میناب به جاسک ده کیلومتر فاصله دارد و چون از آبادی به نام درتوجان (درتیجان) که در سی کیلومتری میناب واقع و جزو شمیلات است به سوی شمال حرکت شود به گنبد سرخ می‌رسد.

سدیدالسلطنه در کتاب بندرعباس و خلیج فارس. قصه‌ای عوامانه را درباره این گنبد و گنبد دیگری که گنبد سفید نام داشته، آورده است. آقای احمد سایبانی آن افسانه را به کتاب خود (بندرعباس و هلال طلایی) نقل کرده و تفصیلی مفید از وضع کنونی بقعه و اندازه‌های آن به دست داده‌اند. امسال توفیق پیش آمد که من آن را دیدم. بنا سراپا آجری و گنبدواره خوش طرح است. کاملاً مشخص است، درین ناحیه که مردم در کپر و کتوک زندگی می‌کرده‌اند بنا کردن چنین بقعه ممتاز و پایدار برای آرامگاه حکایت از آن می‌کند که صاحب گور یکی از ملوک، بزرگان و امیران و صاحب نامان بوده است. با توجه به طرز ساختمان و کهنگی آجر و ملات آن و عنایت به تاریخ حکومتهای آن ناحیه، احتمال قریب به یقین می‌رود که بنا مربوط به یکی از ملوک هرموز (قرن هشتم / نهم) بوده است. آنها بودند که درین نواحی کیا بیا داشتند و در بیت حافظ «شاه هرموزم ندید و بی سخن صد لطف کرد / شاه یزدم دید و مدحش گفتم و هیچم نداده» اشارتی به آنهاست و چون چنان شخصی درین محل مرده یا کشته شده برگورش چنین بقعه فخمی را بر پا داشته‌اند. میراث فرهنگی هنوز اقدامی برای مرمت آن نکرده است. شاید به ثبت تاریخی هم نرسیده باشد. عکسش چاپ می‌شود تا اهمیتش بهتر مشهود شود.



● گنبد سرخ در جرونات (اذر ۸۲)

۸۴۰ - نامه‌های ولادیمیر ایوانف

۵۲

میان هانری کُربن فرانسوی (در گذشته ۱۹۷۸) و ولادیمیر ایوانف روسی (که به تبعگی انگلیس در آمده بود، در گذشته ۱۹۷۰) به مناسبت آن که هر دو به پژوهش در مباحث تاریخی، کلامی و عقیدتی اسمعیلی پرداخته بودند باب مکاتبه مفتوح بود. خانم زابینه اشمیتکه (آلمانی) که از وجود نامه‌های ایوانف نزد خانم کربن آگاهی یافته به اجازه ایشان نامه‌ها را به چاپ رسانیده و تعدادی از سواد نامه‌های کربن را هم بدان افزوده است. درین مجموعه هفتاد و چهار نامه از ایوانف و سیزده نامه از کربن در دسترس قرار گرفته. نامه‌های کربن به فرانسه بوده و از آن ایوانف به زبان انگلیسی. کربن بر مضامین نامه‌های انگلیسی ایوانف از راه ترجمانی متن آنها توسط همسرش آگاهی می‌یافته است.

ازین نامه‌ها (مخصوصاً نامه‌های ایوانف) چند نکته به دست آمدنی است:

۱) آگاه شدن از برداشت خاص ایوانف نسبت به فلسفه و تصوف و گاه برخورد شدید با آنها.
 ۲) آگاه شدن از وجود نسخه‌ها و متون کتب اسماعیلی که ایوانف در هند به دست می‌آورده است.

۳) آگاه شدن از علاقه‌مندی دلپذیر ایوانف به تمدن و تاریخ و سرزمین ایران.

۴) آگاه شدن از فعالیتهای هانری کربن در تأسیس شعبه ایرانشناسی فرانسه در تهران.

۵) عجیب است که ایوانف با وجود تبری از اقامت در شوروی برای بهبود حال ایران رژیم

کمونیستی را طالب بوده است!

کتاب مخصوصاً برای نسخه شناسان و دستداران آگاه شدن بر جریانهای شرقشناسی و عقاید ایوانف نسبت به بعضی از ایرانشناسان بی‌اهمیت نیست. آوردن بعضی از پرداخته‌های ایوانف بطور نمونه معرف مضامین اساسی کتاب تواند بود.

— امانت گرفتن یک کتاب از یک مجموعه آن هم مجموعه‌ای که به صاحبان روشنفکر تعلق دارد چه اندازه مشکل است (منظورش کتابخانه داران دانشمندست). (ص ۳۸)

— باید به شما اعتراف کنم که از این مؤسسه محترم با تمام وجود نفرت دارم (منظورش Societé Asiatique فرانسه است). (ص ۳۹)

— همه اوقات به حرف زدن و پرچانگی گذشت. حتی این زبان بازی و گفت و گوی خارج از موضوع بر عهده استاد گیب گذارده شد، مردی انگلیسی که همچون هم میهنانش استعداد ذاتی برای این نوع کارها دارد (منظورش وضع کنگره شرقشناسان است که در انگلیس برقرار شده بود). (ص ۴۱)

— مشرق زمین پُست از طرحهای بزرگ، بزرگترین طرحها، این صرفاً صورتی نو از یک صورت قدیمی است و وضع کاملاً شناخته شده‌ای از زندگی شرقی است. چرب زبانی و چاپلوسی را می‌گویم. (ص ۵۵)

— اتحادیه عرب مثل همه جماعات دیگر به قلمرو بدله‌گویان و طنزنویسان تعلق دارد. (ص ۵۵)

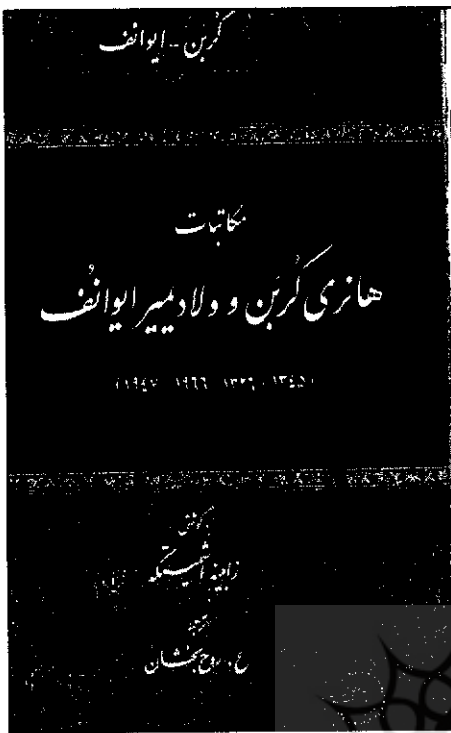
— بابینگر... نامه‌های همواره حاوی درخواست این چیز یا انجام آن کار بوده‌اند مانند نامه‌های هلموت ریتز، موجود ناخوشایند دیگر (بابینگر بیشتر اسلام‌شناس بود و ریتز از بزرگان در آن زمینه). (ص ۵۸)

— اشترن... مقاله‌اش شبیه پایان نامه یک دانشجوی هندی است. هیچ چیز نمی‌داند و خیلی کمتر می‌فهمد. اما می‌خواهد همه مردم را تصحیح کند. (ص ۶۵)

— کسی که یک متن را به صورت نمونه چاپی و غیره دوباره و دوباره می‌خواند توجه و دقتش ضعیف می‌شود و ممکن است که بطور ناخودآگاه و ناخواسته اشتباهات و اغلاطی را ببیند. (ص ۷۶)

— وقتی که سر و کار آدم با فرقه‌گرایان متعصب احمق بیفتد برنامه‌ریزی مطمئن برای معامله اصلاً آسان نیست. (ص ۹۶)

— در طی سه سال اخیر تحولی عجیب و جدی را پشت سر گذاشته‌ام... منظورم رهایی تدریجی از آن ته مانده اثرات قرون وسطاگرایی اروپایی است. افسون شدگی خواب‌آور این که



● هانری کرین

هر چیز در نهایت از یونانیان سرچشمه گرفته است و بسیاری از اندیشه‌های آنان به فرهنگهای ایران باستان و ماوراءالنهر و ترکستان راه یافته‌اند... در مورد تمامی قضیهٔ مزدایی‌گرایی پیش از زردشت و موضوعهای مرتبط با آن هم به نظر می‌رسد که باید ملاحظات و تأملات جدی‌تری به کار بندیم. این مشخصه در مورد قلمرو دینی و فلسفی فعالیت‌های باستانی صدق می‌کند. (ص ۹۹)

– من می‌خواهم صمیمانه یک چیز برای ایرانیان آرزو کنم. این بی‌پردگی تناقض‌آمیز مرا ببخشید و آن این است که تا آن جا که ممکن است هر چه زودتر تحت تسلط روسیهٔ شوروی در آیند. بلشویکها فوراً ظالمانه و سنگدلانه کشیدن تریاک را متوقف و ریشه‌کن می‌کنند... (ص ۹۹) (کاش مانده بود و می‌دید که روسها بر سر آسیای مرکزی چه آوردند تا برای ایران چنان هوسی در سر نمی‌پخت. بلای تریاک کمونیستی دست کمی از تریاک گیاهی نداشت.)

– من به وجود هیچ فلسفه‌ای در دین اعتقاد ندارم، درست همان طور که به وجود دین در فلسفه معتقد نیستم. (ص ۱۳۴)

– به نظر من چنین می‌رسد که پدیدارشناسی ادیان در مقام و موضوع مطالعهٔ جدی و علمی فقط در وجه جامعه‌شناختی‌اش معنی و مفهوم دارد. یعنی درست در تقابل با پس‌زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی و غیره. (ص ۱۴۲)

— من از طریق تصوف به عالم مطالعه در اسماعیلیه رسیدم. (ص ۱۴۲)

— از اخباری که از ماسینیون نوشته‌اید سپاسگزارم... من صمیمانه آرزو می‌کنم که او نمونه واقعی و خوب این قضیه باشد (طول عمر)، اما فقط به این شرط که به شکار دلارهای نهفته بپردازد و به کار تحقیق بازگردد، البته اگر امکان بازگشت را داشته باشد. (ص ۱۵۵)

— آرزو می‌کنم بتوانم بار دیگر به ایران بیایم جایی که همیشه به طور غیر قابل قیاسی احساس آرامش می‌کنم. (ص ۱۶۰)

— من متأسفم از این که ناچارم بگویم که واقعاً حکومت سفت و سخت پرده آهنین را که این همه تکذیب می‌شود و مورد منع و طعن و لعن است ترجیح می‌دهم و این پایان داستان است. (ص ۱۶۱)

— من در غلّوی که شما در حق ناصر خسرو می‌کنید با شما هم رأی نیستم. من کاملاً یقین دارم که او صرفاً یک غیر حرفه‌ای بود که صرفاً به سبب اوضاع و احوال به سمت نوشتن کتابهای عالمانه کشانده شد. هیچ نشانه‌ای از استادی و تسلط در آثاری که نوشته است مشاهده نمی‌شود. حتی هیچ اثری هم از اصالت و تازگی در آنها نیست. همه آنها عادی و پیش پا افتاده هستند و بر اثر تکرار کهنه و ضعیف و بیمایه‌اند. (ص ۱۸۸)

— عارف تامر... چقدر با ایرانیها متفاوت است. کار او چندان کودکانه است که آدمی می‌تواند از هر سطر آن دریابد که او هیچ نوع تحصیلی نکرده است. (ص ۱۹۳)

— رئیس ما آدمی نادان اما مغازه‌داری ثروتمند و احمق به تمام معنی است. (ص ۱۹۳)

— ماسینیون... در طی این دو دهه اخیر یا مدتی درین حدود در مقام یک خاورشناس مردی به کمال رسیده بود که به سیاست پرداخت. (ص ۱۹۷)

— نامه‌ای از شما دریافت کرده است که در آن به یک تبهکار (کانگستر) شیکاگویی به نام هاجسن اشاره کرده‌اید که کتابی غیر قابل تقلید درباره اسماعیلیه نوشته است. من نگاهی اجمالی به آن کتاب انداخته‌ام و واقعاً شگفتی زده شده‌ام که این منش و اخلاق تبهکارانه (کانگستری) آمریکایی چه قدر خود را در این کتاب نمایانده و تا کجا رفته است (ص ۲۰۴)... یکی از دوستانم می‌گفت این کتاب مدفوع مطالعات هضم نشده است. اگر آموزرینکائیها (اغلب به مسخرگی چنین می‌نویسد) فکر می‌کنند که با انتشار این نوع کتابها به پیشرویهایی در شرق دست می‌یابند باید گفت که بعد از تهوع دیگر چیزی باقی نمی‌ماند... (ص ۲۰۷)

— اینان (ایرانیان) خالقان یکی از بزرگترین و گسترده‌ترین ادبیات جهان به فارسی و عربی هستند. ادبیات شیفته و دل‌بسته به قلمرو انسانیات و نه به علم (در معنی انگلیسی کلمه)... سرعت دگرگونی حیرت‌آور است... (ص ۲۱۹)

— من معمولاً این نوع ملغمه‌های علمی را دوست ندارم و در واقع هم یک نگاه مالبخولیایی است. (در مورد یادنامهٔ ماسیتین)... او هیچ حرکتی پدید نیاورد. هیچ مکتبی بنیاد نهاد و ستایندگانش که مقاله‌هایشان در این مجموعه چاپ شده‌اند جمعیتی از دوستان اجتماعی اتفاقی هستند... هیچ نشانه‌ای از یک ادامه دهندهٔ جدی، یک کار مهم کسی که این مجلات به افتخارش به چاپ رسیده‌است مشاهده نمی‌شود. (ص ۲۲۲)

— انبوهی از همین نوع انتشارات به اصطلاح خاورشناسی در روسیه وجود دارند که مشرق زمین را صرفاً یک اصطلاح جغرافیایی برای آسیا و آفریقا می‌گیرند. این گونه انتشارات واقعاً هیچ ارتباطی با تحقیقات خاورشناسی ندارند و فقط تبلیغات سیاسی صرف هستند. (ص ۲۲۹)

— ما با عارف تامر مشکل بزرگی پیدا کرده‌ایم. ثابت کرد که آدم خوک صفتی است. (ص ۲۴۸)

اما چند نکتهٔ توضیحی دربارهٔ ترجمه. انجدان بهترست از انجدان (ص ۶۶) — کاشین درست است (ص ۳۸) — بهره یا بوهره دقیق‌تر است تا بوهرا (چند مورد) — هونزه را ظاهراً باید هونزا نوشت. — Anawati نام خود را در خط عربی قنواتی (ص ۱۵۶) می‌نوشت.

اما چند مورد توضیحی دربارهٔ اصل فرانسوی کتاب.

محمد قزوینی و قاسم غنی چاپ‌کنندهٔ وجه دین نبوده‌اند (ص ۱۴۲). محمود غنی زاده منظور بوده یعنی نام غنی زاده و غنی به هم التباس شده است. نام اسدی کتابفروش (ص ۲۸۶) محمدحسین بود. پورداود در سال ۱۳۰۳ در هند بود و چند سال پس از آن به ایران آمد (ص ۲۹۰). در جدول معرفی اشخاص ضرورت داشت که یادی از جواد کمالیان می‌شد زیرا نامش دوبار در متن آمده است. او مدیریت کتابخانهٔ انستیتو را عهده‌دار بود.

در کتابشناسی، خانم گردآورندهٔ نامه‌ها به این نکات باید توجه داشت که دیوان ناصرخسرو چاپ ۱۳۰۴ طهران را مهدی سهیلی انجام نداد. او حدود پنجاه سال پس از طبع اصلی با مقدمهٔ تقی زاده تجدید طبعی از آن را منتشر ساخت. فهرست مجدوع در چاپخانهٔ دانشگاه تهران چاپ شد ولی از انتشارات آن دانشگاه نبود.

ترجمهٔ خوش انشاء روح‌بخشان خواننده را به گویایی و روشنی با طرز بیان و کلام ایوانف و کربن دمساز می‌سازد و او خود یاری آقای محمدحسین مرعشی را درین کار یادآور شده است.

۸۴۱ — مقدمه بر رباعیات خیام

بیژن غیبی مقیم آلمان در جزوه‌ای زیبا متن مقدمهٔ انگلیسی تالکوت ویلیامز Talcott

Williams بر ترجمه فیتز جرالڈ از رباعیات خیام را که در سال ۱۸۹۸ چاپ شده با ترجمه فارسی آن انتشار داده و در سخن بر افزوده خود گفته است که میان گفته و یلیامز و نوشته‌های مجتبی مینوی (در مقدمه نروزنامه) و صادق هدایت (در ترانه‌های خیام) همسانی اندیشه و برداشت فکری هماوا وجود دارد.

غیبی با توضیحاتی که درباره گوشه‌هایی از نوشته و یلیامز برافزوده مقدمه را گویاتر کرده است، ازین قبیل که بندی از کتاب تاریخ عهد باستان ادوارد مایر (در گذشته ۱۹۳۰) را می‌آورد: شیوه تفکر و دیانت هندی منفی است، مفعول و بدبینانه. از آن ایرانی [مثبت است] فعال و خوش‌بینانه. برای یک هندی نفی زندگی کشتن تدریجی خویشتن و حل آن در روح کلی آفرینش یا در نیستی مطلق کمال مطلوب است. تولد و تولدهای پی در پی و بی‌پایان آفتی است برای هستی او که از آن می‌باید رهایی یابد.

برای یک ایرانی روز تولد بزرگترین جشن است (هرودت ۱:۱۳۳) و هستی‌اش قبول پرحرارت زندگی. حتی بعدها که او... (کوتاه شد) به تصوف شیعه پناه می‌برد و با روی گرداندن از دنیا در پی معرفت الهی خویشتن را به دست مکاشفات می‌سپرد این خود تلاشی است از سوی او به منظور دیدار با خداوند در ماوراء حسها و اتحاد با او و با کل آفرینش که سراسر خوشبینانه است، چه بدان همچون صعود به بالاترین درجه هستی می‌نگرد نه سقوط به ژرفای بی‌رمقی همچون هندوان.

۸۴۲- ره آورد حکمت

یکی از منظم‌ترین رجال ایران در عصر پهلویها، علی اصغر حکمت شیرازی است. بیگمان نظم و ترتیب شگفت‌آور او در زندگی به مناسبت تحصیل و پرورشی بود که در مدرسه آمریکایی زبردست دکتر جردن دیده بود. حکمت مدیر و مُدبّر بود. حکمت پُرکار و خوش فکر بود. حکمت فاضل و کتابخوان و کتاب دوست بود. حکمت چون قدرت دوست بود ناچار به منشأ قدرت نزدیک می‌شد ولی آن فرصتها را آگاهانه و بیشتر در راه مقولات فرهنگی به کار می‌گرفت. دانشگاه و دهها دبیرستان و صدها دبستان ساخت. فرهنگستان و کتابخانه ملی و موزه ایران باستان - و موزه مردم‌شناسی ایجاد کرد. او همه آن کارهای ضروری را توانست انجام بدهد چون تن در داده بود به آنکه مطیعانه در میدان سیاست و حکومت باشد، و درست گفته‌اند: یا بیا با یزید بیعت کن. یا برو کنگور زراعت کن.

صحبت بر سر نظم و ترتیب او بود. نمونه‌اش وقایع‌نویسی بطور روزانه بود از آنچه می‌کرد و می‌شنید و می‌خواند و می‌دید و از آنها دهها دفترچه خشتی نوشته بود. چند بار خودم دیدم



● علی اصغر حکمت

چون مطلبی را می‌شنید که ثبت آن را لازم می‌دانست در کتابچه‌ها به دقت و در حضور شخص یادداشت می‌کرد. نام فلان کتاب، نشان فلان نسخه، فلان کلمه ناشناخته و ناشنیده، فلان شعر بامزه و ماندنی.

قسمتی از این دفترها اختصاص دارد به جریان سفرهای او. این دفترهای خاص سفر، به لطف دختر والاگهرش به دست دکتر محمد دبیرسیاقتی رسید و ایشان به چاپ آنها مبادرت کرد و انجمن آثار و مفاخر کنونی که جانشین انجمن آثار ملی پیشین شده است آنها را در دو جلد به چاپ رسانیده. علی اصغر حکمت خود مدتی دراز رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی و متشأ کارهای بسیار مفید در آن انجمن بود. حکمت جز آن سالها جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را سرپرستی می‌کرد پس از آن کمیسیون ملی یونسکو را. در این هر سه آثار همت او برجاست.

سفرهای حکمت اغلب برای «کار» بوده است. چه در دوره وزارت، چه در دوران سفارت، چه در موقعی که امور شیر و خورشید و انجمن آثار ملی را عهده‌دار بود و چه به مناسبت تشکیل بعضی از کنگره‌های علمی که برای ایراد سخنرانی بدان تجمعات می‌رفت.

این سفرنامه‌ها که دبیرسیاقتی در یک هزار و چهارصد صفحه (دو مجلد) طبع کرده است حاوی اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، ادبی، مردمی، دوستانه، انجمنی، دیدنی از شهرها و جاهایی است که نویسنده آنها را دیده است. مملوست از اطلاعات شخصی و عمومی. اگر

بسیاری از قسمتهای آن امروزه برای ما عادی و معمولی و ناخواندنی به نظر آید یک قرن بعد همین نوشته‌ها مرجع آگاهی برای مردمان آن روزگار خواهد بود از روزگار ما. هر سفرنامه‌ای این سرنوشت را دارد. قطعاً سفرنامه حاجی پیرزاده نائینی برای هم‌روزگاران‌ش چندان خواندنی نبود. حتی سفرنامه ناصرخسرو زیرا همه می‌دانسته‌اند که برای رسیدن به مکه با چه وسایلی و چه گونه باید سفر کرد و وضع کاروانسرا و راهها چیست. نوشته‌هایی که برای مردمان آن زمان عادی بوده است امروز برای ما گنجینه اطلاعات است و راهی نداریم بجز حفظ و نشر آنها.

ره آورد حکمت همین حال را دارد. باید به چشم لطف و دقیق به آن نگریست. زیرا از مطاوری مندرجات آن اطلاعات ارزشمند درباره اشخاص و حوادث به دست می‌آید. من هیچگاه از نظرش درباره مصدق و حکومت یگانه او مطلع نشده بودم. اینک درین کتاب می‌بینم که مخالف سرسخت بوده و آن طریقه سیاسی را نمی‌پسندیده است. چند اشاره بدان ایام دارد.

حسن سفرنامه نویسی حکمت آن است که در مأموریت‌های رسمی نام متصدیان و مباشران امور را نوشته و از هر کس به اندازه‌ای که نباید یاد کرده است و کمتر مطلبی را با ذکر آنکه از فلان کس شنیده شده یا گفته‌اند می‌آورد. تقریباً همه جا ملتزم به اجرای این ترتیب بوده است.

هر کس کتاب را بخواند با بسیاری از اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران در چهل و چند سال آشنایی می‌گیرد و تصور می‌کنم پشیمان نشود. البته دوران گرانی کتاب است و خریدن دو جلد کتاب به هفت هزار و هشتصد تومان آسان نیست.

این دو جلد کتاب شرح سی و یک سفر حکمت میان سالهای ۱۲۹۳ شمسی ۱۳۳۷ است که آنها را در هفده دفتر نوشته بوده است.

۸۴۳- شعر سعدی بر گور عارف برازجانی

به لطف محمدجواد فخرایی (برازجان) سنگ قبر مورخ ۶۷۴ را که از آن پسر شیخ صالح‌الدین احمدبن منصورست در اداره اوقاف برازجان دیدم. برگرده آن سنگ دو بیت از قطعه سعدی کتابت شده است با رسم الخط ذال به جای دال.

جهان بر آب نهادست و زندگی بر یاز

غلام خاطر آنم که دل بدو تنهاز

جهان [ن] نمازند و خرم روان آدمیی

که باز مانند از و در جهان به نیکی یاز

چون درگذشت سعدی در سال ۶۹۱ روی داده است بنابراین این دو بیت هفده سال پیش از وفات شاعر بر سر زبانها بوده و سنگتراش برازجانی آن را مناسب نقر بر سنگ گوری دانسته است.

۸۴۴ - دو گفتار از «ماتی» درباره صفویه

یکی از ایران‌شناسان برجسته، تازه‌جو و خوش ذوق رودی ماتی هلندی (Rudi Matte) است. او اکنون استاد تاریخ خاورمیانه در دانشگاه دلور امریکا است. اخیراً دو مقاله تازه‌اش را برایم فرستاده است: یکی مربوط به وضع سرحدات ایران و عثمانی است و آنچه در دوره صفوی در عراق عرب اتفاق می‌افتاد. اصول مباحثی که به نظر ماتی درین باره قابل رسیدگی بوده است با عناوین «عقیده دینی یا تحریکات سیاسی» - «ملاحظات مربوط به استراتژی» - «اقتصاد و ملاحظات ژئوپلتیک» - «مرزها و حاشیه‌ها» مشخص شده است.

The Safavid - Ottoman Frontier: Iraq - i Arab as seen by the Safavids. International Journal of Turkish Studies. 9 (2003) No 1 - 2. pp 157 - 173.

باید امیدوار بود که محققان صفویه‌شناس به این مقاله بنگرند و اظهار نظر کنند. دیگری مربوط به روابط دیپلماتیک میان ایران و روسیه است میان سالهای ۱۵۸۷ تا ۱۶۳۹ و خاص به موضوع علاقه‌های ضد عثمانی در ایران و تمایلات سیاسی ایران به جانب قفقاز. این مقاله در مجموعه‌ای چاپ شده است که میشل مزاولی M. Mazzaoui با نام Safavid Iran and Her Neighbors (سالت لیک سیتی، ۲۰۰۳) از سخنان ایراد شده در مجمعی علمی چاپ کرده است. همه مقالات مرتبط به ارتباطات ایران صفوی و همسایگانش است. عنوان مقاله ماتی چنین است:

Anti - Ottoman Concerns and Caucasian Intrests, pp. 101 - 128

۸۴۵ - نامه‌ای از احسان طبری

در سال ۱۳۶۰ فهرست تألیفات احسان طبری را که خود او تهیه کرده و به من داده بود به خط او در مجله آینده چاپ کردم. به این مناسبت نامه‌ای به من نوشت که در آن، نسبت

از لطف آن دوست محترم و ارسال نظم «آئینه» سپاسگزارم. شاید باور کنید در این مریخ
 خنفس جناح مبدل شجره که مقصود من از ارسال نوشته‌های خود اطاعت امرت باشد و نه انگار آن
 اتفاقاً این بر منجی قدیم است که «سروی - کجلی شدت» که همان عزالتش سر بر اعظمت و در ایام
 کاسکاران بنام انجمن نشر دادند، در تجدید مقبره شایسته بنام من ثبت شده! این کتاب را مرحوم
 (امامی (نوروز) برادر فخریه اسلام و امام جمعه تهران در زمان بلوی نوشته و مطالب آن در سطح نازلی است
 و فعلاً در مراکز نگارش مطالبی تا این حد نامربوط تصور می‌رود! از ایام گذشته که سکنس نرمانیک
 برای اطلاع زنده که شاید بعضی در حاشیای چاپ کنید که خبره هر کور در وقت به نگارنده مربوط نیست.
 در فرصت برابر عرض مسلم بر آرزوی توفیق در خدمت فرهنگی استغاره می‌کنم - احسان طبری
 تهران - اول شهریور ۱۳۹۰

P.S. - ضمیمه اگر در صورت ارسال مطلبی از من یا بنام من در بی نیاز از «مترجم مزبانه»
 کار نیست تهیه می‌شود، زیرا احاطه متعلق به خانم بی نیاز در اقدام اینجانب است. به پیش ط.

دادن تألیف کتابی را به خود نقض و رد کرده است. برای آن که کتابشناسان ایران در آینده آن کتاب
 را به او نسبت ندهند عکس نامه‌اش را چاپ می‌کند تا طرز نامه نویسی او نیز آمده باشد.

۸۴۶ - پیشنهادی برای فهرست نویسی نسخه‌های خطی

جای شادمانی است که در بسیاری از شهرهای ایران توجهی روز افزون به فهرست نویسی
 نسخه‌های خطی پیدا شده است و هر فهرست نویسی روشی را براساس نمونه‌هایی که از
 فهرستهای پیشین در دست دارد اختیار می‌کند. چون کم و بیشی درین فهرست‌ها زیاد دیده
 می‌شود طبعاً اگر راهی بتوان یافت که فهرستها با یک نواختی تهیه شود فایده بیشتری خواهد
 شد.

در سال ۱۳۴۲ برای فهرست نویسی کتابخانه ملی جلساتی با حضور برجستگانی مانند
 مجتبی مینوی، محمد تقی دانش‌پژوه، عباس زریاب، محمد امین ریاحی، عبدالله انوار تشکیل
 شد و براساس آرا پیش آمده «نمونه کار» فراهم شد و خوشبختانه بر همان میزان فهرست آن

کتابخانه به اهتمام ستایش انگیز عبدالله انوار به چاپ رسید. آن «نمونه کار» در مجله‌های راهنمای کتاب و یغما هم چاپ شد.

تجربه‌های سپسین، مخصوصاً آنچه برای فهرست‌نویسی نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی وین (اطریش) ضرور بود مرا بر آن داشت که «نمونه کاری» گسترده‌تر فراهم سازم و بر آن اساس فهرست آن کتابخانه را تنظیم کنم. آن فهرست را مؤسسه «فهرستگان» به سرپرستی آقای احمدرضا رحیمی ریشه به چاپ رسانیده است.

برای آن که این «نمونه کار» از عیبها و نقصها پیراسته شود صورت آن را درین جا انتشار می‌دهد و انتظار دارد علاقه‌مندان از هدایت و اصلاح و تکمیل خودداری نکنند. ضمناً شاید برای فهرست‌نویسان جوان این «نمونه کار» قابل استفاده در گرده‌برداری باشد.

مشخصات متن‌شناسی

شماره کتاب در قفسه	اسم کتاب
شماره کتاب در دفتر ثبت	
	مؤلف و زمان او
	مترجم یا شارح
	تاریخ تالیف
	نام مهدی الیه
	موضوع
	نوع فصول و ابواب کتاب
	کلمات آغاز متن
	کلمات انجام متن
	مراجع اساسی معرفی
	توضیحات ضروری

مشخصات نسخه‌شناسی

شمارهٔ کتاب در قفسه					شمارهٔ ردیف در دفتر ثبت					
عنوان کتاب										
مجموعه: دارای چند رساله است										
جایی که اسم کتاب آمده	سر لوح	عطف	لبهٔ کاغذی	نهرت مندرجات	مقدمه	صفحهٔ عنوان	انجام متن	رقم کتاب (انجامه)	<input type="checkbox"/>	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
تاریخ کتابت			نام کتاب			محل کتابت				
کلمات آغاز نسخه در صورت افتادگی										
کلمات انجامهٔ نسخه در صورت افتادگی										
تفاوت‌های این نسخه با متن اصلی										
نوع خط:	کوفی	ثلث	محقق	تعليق	نسخ	نستعلیق	شکسته	چلیپا	غبار	
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	
نسخه به چه کسی اهدا شده										
اندازه‌ها		تعداد برگ		اندازهٔ برگ		اندازهٔ جلد		تعداد سطور		
معایب و صدمات نسخه										
نوع کاغذ:			ضخامت:			رنگ				
<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>				
توصیف جلد و نوع آن										
تزئینات و آرایش‌ها		تذهیب		سرلوح		جدول		متن و حاشیه		
مهرکب (رنگ)		متن		ابواب		عناوین		کلمات شاخص		
بادداشت‌های حواشی			تصحیحات متنی			توضیحات لغوی			ارجاعات	
<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>	
بادداشت‌های پرافزوده			عرض نسخه			نکته‌های تاریخی		مالکیت	ثبت	قیمت
<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>			<input type="checkbox"/>		<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>



● پروفیسور ہنینگ

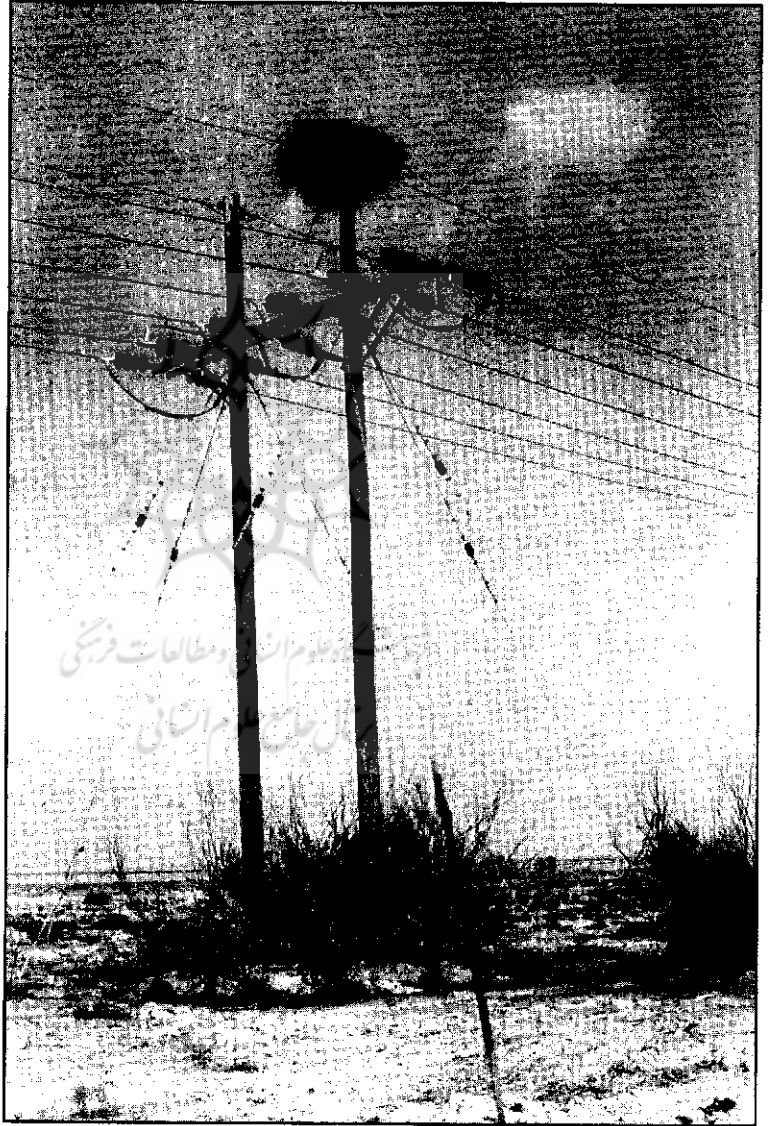
۸۴۷۔ ہنینگ برادر زن تقی زاده!

۶۴

در دوران سلطه طلبی حزب توده یکی از راههای پیشرفت اهداف حزبی مطعون ساختن رجال پیشین بود. از جمله برای مبارزه با تقی زاده چون ہنینگ به ایران سفر کرد به منظور آن که از کتیبه سر مشہد دیدن کند و از آن نمونہ بردارد تا بتواند به نشر آن پردازد، به مناسبت آنکہ تقی زاده وسایل سفر آن دانشمند را فراهم ساخته بود۔ بر سر زبانها انداختند۔ حتی خیال می کنم کہ در روزنامہ ای از نوع «ایران ما» نوشتند۔ کہ تقی زاده برادر زن خود را از انگلستان با پول دولت به ایران خواستہ است. البتہ این ترفند سیاسی ناشیانہ جوان فریب شباهت به تصحیفهایی دارد کہ در نسخہ نویسی پیش می آید

چون نام خانوادگی برادرزن تقی زاده فون یونگ بود و آن نام در تلفظ شباهتی اندک با ہنینگ داشت آن «خدعہ سیاسی» میان عده ای از جوانان فاضل حسن قبول یافته بود.

نام برادرزن تقی زاده «ہانس» بود. او در دورہ رضاشاہ مدتی در بانک ملی (؟) خدمت می کرد. سپس به اروپا رفت و دوران جنگ را در انگلستان می زیست. چون تقی زاده از سال ۱۳۲۶ بر تہران بازگشت او ہم بہ تہران آمد و کار خصوصی تجاری داشت. عاقبت بہ انگلستان رفت و در شہر برایتون مغازہ کوچک خاص فروش صنایع دستی ایجاد کرد و در همان شہر درگذشت (حدود سال ۱۳۶۵).



● معماری لکلک نزدیک آبادی آسیاب در راه هندبجان (آذر ۸۲)

نگارش این یادداشت به منظور آن است که برای آیندگان شبه‌ای بر جای نماند که هنینگ برادرزن تقی‌زاده نبود. اگر چه در نوشته‌ای چنان نسبتی را بیابند.

۸۴۸ - معماری لکلک

با دکتر منوچهر ستوده و مهندس اسلام پناه نزدیک به آبادی آسیاب که سی و چند کیلومتر تا هنديجان فاصله دارد نگاهمان به بالای تیر چوبی سیم برق افتاد که لکلکی بر آن آشیانه ساخته است. عجب آن است که این لانه بر روی چوب تیر پایه گذاری نشده. به این معنی که به بدنه چوب میله آهنی باریکی نصب است و حضرت لکلک لانه پهن استوار خود را بر روی آن میله نازک بنا کرده است. این منطقه بیابانی اتفاقاً در معرض بادهای تند دریایی است ولی این آشیانه متروک با وجود طوفانهای چند ساله هنوز پابرجاست و موجب حیرت رهگذر. عکس آن برای دیدن چاپ می‌شود.

لکلک معمولاً بر سر مناره‌ها و مأذنه‌ها و میان شاخه‌های خشک درختان کهن سال چنار لانه‌سازی می‌کند و آنچه ما دیدیم آشیانه‌ای است که در بر بیابان برای عبرت معماران ساخته است.

۶۶

۸۴۹ - تقی‌زاده و مانی

می‌دانیم که سیدحسین تقی‌زاده پژوهشهایی درباره مانی دارد و خود مختصری از آن را به نام «مانی و دین او» منتشر ساخته است.

یادداشت‌های زیادی از او که درین باره به دست من رسیده بود در کتابی به نام «مانی‌شناسی» گردآوری شد و توسط انتشارات توس به زودی در دسترس دوستداران قرار می‌گیرد. نکته‌ای که قابل دقت نظر است اهدای رساله آلمانی Die Lebe des Mani تألیف مستشرق آلمانی O. G. Von Wesendonk است که در سال ۱۹۲۲ توسط مؤسسه اتوهاراسوریتز انتشار یافت و مؤلف آن را به تقی‌زاده اهدا کرده است. عکس صفحه عنوان کتاب و صفحه تقدیم نامه آن درین جا به چاپ می‌رسد. ظاهراً اهدا شدن این رساله به تقی‌زاده حکایت از آن دارد که تقی‌زاده از همان ایام به موضوع مانوی‌شناسی علاقه‌مند بوده است و آن پس از زمانی است که نگارش تحقیق در احوال فردوسی را به پایان برده و به پژوهشهای گاه شماری خود آغاز کرده بود. وزندونک مستشرق برجسته‌ای بود ولی در دوران جنگ جهانی اول که تقی‌زاده و یارانش کمیته برلین را تشکیل داده بودند با آنها از جانب دولت آلمان ارتباط سیاسی داشت. زیرا وزندونک مسؤل امور مشرق در شعبه سیاسی وزارت امور خارجه آلمان بود و سباستیان بک

Die Lehre des Mani

von

O. G. von Wesendonk



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

1922

Otto Harrassowitz in Leipzig

شرح رساله ارتیش از تالیف آن شرح یک عصر روحانی
عظیم است منظمه از ایران قهار عمده ارتجد و ایران
فارسید حسن تقی زاده یادگار ایام مصائب تقدیم میکنم

Sayyid Hasan Taqisade zur Erinnerung an
vier Jahre gemeinsamer Arbeit gewidmet.

۶۸

S. Beck و پرفسور میتوخ Mitwoch و پرفسور اسکارمان O. Mann که هر سه ایرانشناس بودند با وزندونک همکاری داشتند. برای آگاهی درین باره نگاه کنید به مقاله E. Tschereńska که ترجمه اش اخیراً در مجله ایران نامه به عنوان «تقی زاده و آلمان عصر قیصری» چاپ شده است (ایران نامه: ویژه سیدحسن تقی زاده. شماره دوم سال ۲۱، تابستان ۱۳۸۲).

۸۵۰ - کهنه کتابفروشی

فهرست نوادری که کتابفروشی Smitskamp Oriental Antiquarium (در لیدن) هر چند یکبار به نام Het Oosters Antiquarium منتشر می سازد به دستم رسید و به بخش ایران آن نگریستم. پنجاه و چند سال است که ور رفتن با فهرستهای کتابفروشیهای فرنگی عادت شده و شاید از خواندن بسیاری از کتابها مفیدتر بوده و از آنها بیشتر فواید کتابشناسی به دست آمده است تا منابع دیگر. فهرست تازه (ش ۶۴۵) بیشتر مربوط به مصرست.

این کتابفروشی بخش خاصی است از مؤسسه مشهور بریل که از حدود ده سال پیش به این سوی صورت مستقلی به خود گرفته و به همین مناسبت نامش تغییر یافته است. و چون جانمایه اش از مؤسسه بریل است ذیل نام خود تاریخ تأسیس را سال ۱۶۸۳ می نویسد. این بخش کارش فروش کتابهای دست دوم و دیرباب است و برای عرضه کردن آنها فهرستی منتشر



Catalogue N° 645 Misr
Smitskamp Oriental Antiquarium.

می‌کند که معیار و میزانی است برای دانستن ارزش امروزی آن گونه کتابها در جوامع اروپایی، البته با میزانهای ما اصلاً قابل ستجش نیست. اصولاً کتابهایی که در اروپا با «کاتالگ» به فروش می‌رسد همواره گرانترست زیرا هزینه‌های مختلف برای تهیه کاتالگ زیادست.

بریل در رشته کهنه فروشی در روزگاران گذشته هم‌اوردانی داشت که همه رفتند و نابود شدند. در انگلستان لوزاک Luzac و پروبشتین Probeshtein و Ad Orientam و Heffer نام‌آور بودند. در آلمان چند مؤسسه بودند که اشهر همه آنها Otto Harrassowitz هنوز پابرجاست. در بلژیک Tulkens وجود داشت. در هلند و فرانسه و ایتالیا هم ازین گونه کتابفروشها بودند. من روزگاری که کتابدار بودم کتابهای ضروری دنیای ایرانشناسی را برای کتابخانه‌های دانشکده حقوق و مرکزی دانشگاه تهران از راه کاتالگهای آنها به دست می‌آوردم. باید گفت که فهرستهای آنان امروزه حکم کتابشناسی دارد و تردید نیست که اگر روزی بخواهند کتابشناسی ایران مرحوم دکتر ماهیار نوابی را تجدید طبع کنند نگرستن به این گونه فهرستها ضرورت دارد.

۸۵۱ - دو تألیف وحیدالملک

در فهرست تازه کهنه‌فروشی مؤسسه بریل چشمم به نام دو کتاب تألیف عبدالحسین کاشانی ملقب به وحیدالملک (شیبانی) افتاد که اصلاً و ابداً ذکری از آنها را نه در جایی دیده و نه از کسی شنیده بودم. حتی از زبان دختر ایشان خانم کتیون فرهودی که سالی چند همکارم بود چیزی در نیافته بودم. موقعی هم که ایشان خاطرات مهاجرت پدر خود را برای چاپ در اختیارم گذارد باز سخنی از این دو تألیف پیش نیامد.

وحیدالملک در مجلس دوم نماینده بود و چند بار وزیر شد و بعد به استادی دانشگاه رسید. در دوره مهاجرت به استانبول و برلن رفت و همراه تقی‌زاده در مجمع سوسیالیستها در استکهلم شرکت کرد.

دل به دریا زدم و به آرش فرزندم در لوس آنجلس فاکس فرستادم که فوری این دو کتاب را از مؤسسه مذکور بخر و بگو سفارشی بفرستند که گم و گور نشود. چون این نوع کتابها زود به فروش می‌رسد تعجیل کردم. به جز آن دو، کتاب دیگری هم در فهرست مذکور ذکر شده بود که طالب بودم ولی خبر رسید آن را کسی دیگر خریده است (و آن رساله‌ای بود به نام انجمن محسنیه در دو پرده تئاتر که وضع و حال بعضی از متقلبینی را که به نام مشروطیت توطئه فراهم می‌آوردند. (نگارش ا. ا. تبریز، ۱۳۲۸). در سی و هشت صفحه (به بهای ۴۴ یورو).

باری امروز دو کتاب شیبانی به دستم رسید. اما دو رساله کوچولو بود. چون تصور نمی‌کنم که تاکنون در جایی معرفی شده باشد به توصیفی از آنها می‌پردازم.



● عبدالحسین شبیبانی (وحیدالملک)

۱) منشآت وحیدی. شماره اول: مقال در توصیف و توسیع تاریخ تجارت و فوائد و نتایج آن به اوضاع حالیه عالم. نگارش میرزا عبدالحسین خان کاشانی ملقب به وحیدالملک معلم فارسی در دارالفنون کمبریج (انگلستان)... شهر جمادی الاولی ۱۳۲۳ مطابق ژوئیه ۱۹۰۵ میلادی. قطع خشتی بیست و سه صفحه (چاپ بریل - لیدن) (پنجاه و نه یورو).
عناوین مندرج در رساله عبارت است از: فواید تجارت - تاریخ تجارت - هند غربی - هند شرقی - خاتمه.

این نسخه را فردی انگلیسی خوانده و بالای بسیاری از کلمات، ترجمه انگلیسی آنها را نوشته است. ظاهراً هموست که پشت جلد رساله نام خود را W. D. W. Matthews یادداشت کرده است.

۲) وقایع انجمن چهاردهم عمومی مستشرقین در الجزایر. نگارش میرزا عبدالحسین خان کاشانی معلم فارسی دارالفنون کمبریج در انگلستان. ربیع الاول سنه ۱۳۲۳ هجری مطابق آوریل سنه ۱۹۰۵ میلادی. قطع جیبی. بیست و سه ص. (لیدن، طبع بریل) (پنجاه یورو).
این رساله گزارشی از وضع برگزاری چهاردهمین کنگره بین‌المللی شرق‌شناسان است که در مارس ۱۹۰۵ در الجزایر ترتیب یافت. طبعاً فرانسویها که مستعمره‌چی آن بلاد می‌بودند مصلحت را در انعقاد چنان مجلسی دیده بودند.

ظاهراً از لحن نوشته برمی آید که وحیدالملک این گزارش را برای وزارت معارف تهیه و ارسال کرده و ضمناً در اروپا هم آن را به چاپ رسانیده است. چون به دنبال معرفی جلسات کنگره مزبور - که از چند شماره پیش آغاز کرده ام - می باید به چهاردهمین اجلاس هم پرداخته شود بهتر آن دید هم اکنون با طبع گزارش وحیدالملک معرفی آن دوره را در دسترس علاقه مندان بگذارد.

۸۵۲ - ایران در چهاردهمین کنگره بین المللی شرق شناسان

در روز پنجشنبه ۲۳ محرم سنه ۱۳۲۳ هجری مطابق ۳۰ شهر مارس سنه ۱۹۰۵ مسیحی این بنده بسمت نمایندگی دولت علیه ایران صانها الله عن الآفات در انجمن چهاردهم عمومی مستشرقین از لندن بعزم الجزایر حرکت کرده بعد از سه روز مسافرت از طریق پاریس و مارسیل و بحر ابیض به بندر (فیلیپ ویل) که از بنادر معموره افریقای شمالی و متعلق بدولت فرانسه است وارد شد و بعد از دو شب توقف در آن بندر و یازده روز مسافرت در داخله متصرفات افریقای شمالی فرانسه و دیدن شهر قدیم قسطنطین و بطنه و تیمگاد روز شنبه نهم صفر به بندر الجزایر حاکم نشین مستملکات افریقای شمالی فرانسه و محل انعقاد انجمن چهاردهم مستشرقین رسیده مشغول خدمت مرجوعه خویش گردید.

قبل از شروع بشرح انجمن امسال لازم است برای توضیح شمه از تاریخ تأسیس و مختصری از فواید و مقاصد آن نگارش آید.

در سنه ۱۸۷۳ معلّمین السنه شرقیه فرانسه عموماً و مدرسین السنه شرق اقصی خصوصاً نظر به پیشرفت ملت ژاپون در تحصیل علوم و صنایع و تمدن حالیه اروپ مجلس مشورتی فراهم آورده مقرّر داشتند که در همان سال انجمن عمومی در پاریس تأسیس نموده مرکب از تمام افاضل مستشرقین اروپا، رأی زده ببینند تا چه حدّ تغییرات در زبان ژاپون برای ترویج و تحصیل و تدریس و تسهیل علوم و صنایع حالیه فرض و واجب است و هنوز این انجمن منعقد نشده قرار گذاشتند که آن را منحصر بزبان ژاپونی ندارند و هر مطلبی راجع و نافع بالسنه و علوم و صنایع قدیم و جدید مشرق زمین باشد در حضور اجزاء مطرح مذاکره شود و نیز قرار بر این شد انعقاد این انجمن را بهمان سال منحصر نکنند و بعد از آن در هر نقطه و در هر وقت که آراء متفق شد باسم «انجمن عمومی مستشرقین» منعقد شده بعده جلسه آن را بخوانند مانند «انجمن اول عمومی مستشرقین» و «انجمن دوم عمومی مستشرقین» و غیره، و ایضاً قرار بر این شد که تمام تقریرات و گذارشات هر جلسه انجمن را بطبع رسانده منتشر سازند و برای مخارج انجمن و طبع تقریرات و گذارشات از هر کس دوازده فرانک حق دخول و جزئیّت بگیرند.

انجمن اول در غزّه سپتامبر سنه ۱۸۷۳ فرنگی در حضور جمع کثیری از بزرگان فرانسه در پاریس انعقاد یافت و سفیر ژاپون مقیم پاریس تقریر مفصلی کرده اظهار داشت که انجمن شریفی مانند این نه فقط مایه پیشرفت السنه مشرقی است در اروپ بلکه اسباب پشت گرمی است از برای ملت و دولت ژاپون که تازه داوطلب تمدن و ترقی اروپ شده. دیروز بود که ما با خوارج آمد و رفت نداشتیم و زبان و تمدنمان را از برای خود کافی می‌شمردیم. ولی امروز اوضاع ژاپون دگرگون گشته با خوارج آمد و رفت پیدا کرده دامنه فلاح و تجارتان وسیع شده و علوم و صنایع اروپ را در مملکت خود رایج کرده‌ایم و الحال در حروفات قدیم خود بمقتضیات الیوم بعضی اشکالات برای استعمالات لفظی و کتبی پیدا کرده که تا حدی مانع ترقی و سهولت امورات است و در سر آنیم که تغییرات عمده در لسان و حروف قدیم خود بدهیم و اگر بخاطر شریف شماها حضار راهی برای حلّ این مسئله خطور نماید و به ماها بیاموزید ماها را رهین امتنان ابدی خواهید نمود

در روز سیم افتتاح انجمن جناب جلا لتماّب آقای نظر آقا سفیر دولت علیّه ایران بانجمن تشریف آورده تقریر مفصلی راجع به پیش رفت تحصیلات السنه شرقیه در اروپ و ترقی السنه و علوم و صنایع اروپ در مشرق زمین و محسنات تأسیس چنین انجمنی در پای تخت دولت فرانسه خواندند و بعد شخص فرانسوی معلّم زبان چینی مذکور داشت که جناب جلالت مآب فرّخ خان سفیر سابق دولت علیّه ایران در پاریس که بسیار صاحب علم و فضل و علم دوست بودند وقتی بمن فرمودند که در قدیم الایام یکی از پسرهای زرادشت چند نفر از تلامیذ و مریدین پدر خود را بچین فرستاد که رفته در آنجا آئین و طریقه آتش پرستی را برقرار نمایند و تلامیذ مزبور بسیاری را از اهالی چین بدین خود هدایت کردند و بنابراین احوال هیچ استبعاد ندارد که علامت مراوده قدیم فیما بین آن دولت و دولت علیّه ایران در جریده حوادث چین ثبت و پیدا باشد و شما که معلّم لسان چینی هستید شاید بتوانید این مطلب را انکشاف نمائید و من بفرمایش ایشان تفحص کرده در یکی از کتب قدیم چین موسوم به «فوتسو تونکی» دیدم نوشته است که در قدیم الایام شخصی زرادشت نام از ممالک ایران دینی مؤسس شد که در آن جواهرات نفیسه و آتش را می‌پرستیدند. نخستین این دین در پای تخت ایران و بعد کم‌کم در تمام ولایات برقرار شد و باز هم اگر جستجو شود احتمال کلیّ می‌رود ذکر دین زرادشت و مرابطه با ایران در کتب قدیمه چین پیدا شود. تقریرات و گذارشات انجمن اول عمومی مستشرقین در سه جلد کتاب مطبوع و ضبط است

انجمن دوم در سال بعد سنه ۱۸۷۴ فرنگی در لندن منعقد شد و از تقریرات و گذارشات آن

یک نسخه موجود است.

وقایع انجمن ۱۴ عمومی مستشرقین

در الجزایر

نگارش میرزا عبد المحسن خان کاشانی

معلم فارسی دار الفنون کبیرج

در انگلستان

ربیع الاول سنه ۱۲۲۲ هجری مطابق

آوریل سنه ۱۹۰۵ میلادی

۷۴

انجمن سوم در پترزبورگ در سنه ۱۸۷۶ منعقد و مطبوعاتش دو جلد است.

انجمن چهارم در فلارنس ایتالیا سنه ۱۸۷۸ و مطبوعاتش دو جلد است.

انجمن پنجم در برلن در سنه ۱۸۸۱ و مطبوعاتش سه جلد است.

انجمن ششم در لایدن هولاند در سنه ۱۸۸۳ و مطبوعاتش چهار جلد است.

انجمن هفتم در وینه در سنه ۱۸۸۶ و مطبوعاتش سه جلد است.

انجمن هشتم در استاکهلم سوئد در سنه ۱۸۸۹ و مطبوعاتش دو جلد است.

انجمن نهم در لندن در سنه ۱۸۹۳ و مطبوعاتش دو جلد است.

انجمن دهم در جنو سویجره در سنه ۱۸۹۴ و مطبوعاتش یک جلد است.

انجمن یازدهم در پاریس در سنه ۱۸۹۷ و مطبوعاتش سه جلد است.

انجمن دوازدهم در روم سنه ۱۸۹۹ و مطبوعاتش سه جلد است.

انجمن سیزدهم در هامبورگ در سنه ۱۹۰۲ و گذارشاتش یک جلد است.

(انجمن چهاردهم امسال در الجزایر منعقد و شرحش در ذیل مذکور است).

در روز چهارشنبه ۱۳ شهر صفر مطابق نوزدهم شهر آوریل انجمن چهاردهم عمومی

مستشرقین بریاست جناب مسیو «ژنار» فرمانفرمای ایالت الجزایر از طرف دولت جمهوری

فرانسه در حضور تمام مستشرقین و جمع کثیری از صاحبمنصبان کشوری و لشکری و اعظام

شهر در عمارت موسوم به «قصر قونصلی» بساعت نه و نیم فرنگی رسمانه افتتاح یافت. اسامی مأمورین دول و سایر اجزاء انجمن را بترتیب حروف الف بای فرنگی چاپ کرده عده مأمورین دول پنجاه و یک نفر من جمله پانزده نفر از قطعات مختلفه آلمان و از طرف دولت علیه ایران و روس و چین هر یک یک نماینده و از جانب حکومت مصری چهار نماینده و سایر مأمورین مدارس السنه شرقیه و اجزاء مجلس که حاضر بودند قریب پانصد نفر میشدند.

بعد از مختصر نطقی حاکی بر افتتاح مجلس فرمانفرما اسامی مأمورین را یک یک بترتیبی که چاپ کرده بودند بلند میخواند. شخص مأمور برخاسته مختصر تقریری مبنی بر تعارفات رسمانه نسبت بدولت و کارگزاران فرانسه از روی نوشته میخواند و یا لساناً ادا میکرد.

نوبت که به این خازنزد دولت علیه ایران رسید برخاسته بعد از تعارفات رسمانه نسبت برئیس انجمن بزبان انگلیسی اظهار داشت که برای ترقی علوم و صنایع و پیشرفت امورات تمدن و استحکام بنای انسانیت و ازدیاد ثروت و تجارت و فلاح ارتباط تامه مابین دول و ملل مختلفه عالم فرض و واجب است و این ارتباط تامه وقتی میسر شود که ادبا و فضلا و عرفاء طوایف اختلاف کنار گذارند و در انجمن اتحاد نشینند و از السنه و ادبیات و افکار قدیمه و حالیه خویش صحبت را نند و آراء انگیزند و بتولای آن بدرجه علوی انسانی نایل شوند. تحصیلات السنه شرقیه برای طوایف اروپ لازم و ترویج علوم و صنایع اروپ بر اهالی مشرق ضرور است و از این جهت افتتاح این انجمن را در الجزایر و حضور چنین مجمعی از علما و عرفا و ادبا بساحل افریقای شمالی که حاکی بر تمدن عرب و انتشار دین مبین اسلام است باید از جان و دل دعاگو و ثناجو بود و خود نکته بزرگی است بر استحکام روابط مابین طوایف و دول مشرق و مغرب و این بنده از طرف دولت علیه اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاه ایران - لزال ایام ملکه و دولته - از صمیم قلب پیشرفت مقاصد این انجمن را خواهانم و از غریب نوازی و مهمان پروری کارگزاران حکومت الجزایر مالانهایه شاکر.

تقریر این بنده در نزد انجمن نیکو افتاده مکرراً بدست زدن که عادت فرنگان است تصدیق و تعریف میکردند. خطابه‌های مأمورین و سایر اجزاء قریب دو ساعت طول کشید. بعد از اتمام قرار بر این شد که جلسه‌های انجمن برای شنیدن تقریرات و فیصله امورات در عمارت دولتی «قصر مدارس عالی» منعقد گردد و هشت روز مفتوح باشد. بعد از ظهر همین روز بساعت سه فرنگی تمام مأمورین و اجزاء انجمن جمع شده انجمن را بهفت شعبه منقسم ساختند و از برای هر شعبه اطاق مخصوصی ترتیب داده بودند. هر کسی بهر اطاقی که میل داشت مجاز بود برود و این هفت شعبه از این قرار بود:

شعبه اسلامی - شعبه هند - شعبه السنه توراتی و ادیان عتیقه - شعبه افریقا - شعبه شرق

اقصی - شعبه السنه یونان و شرق اروپ و شعبه علوم و صنایع شرق و از این شعب شعبه اسلامی از همه معتبرتر و مهمتر بود و عده زیادی از مستشرقین اروپ و شیوخ مغربی هر روز در این شعبه جمع میشدند. رئیس این شعبه مسیو «دخویه» هولاندی و نایب رئیس مستر برون انگلیسی بودند.

تخمیناً یکصد و پنجاه تقریر در انجمن امسال رویهم رفته خوانده شد و بیشتر این تقریرات راجع بلسان و تمدن عرب بود و بزبان فرانسه ادا میشد. شخص ارمنی «اراکیلیان» نام از متوقفین تفلیس تقریری بزبان فرانسه از وضع زردشتیهای دولت علیه ایران خواند. چون تازه ای نداشت قابل ذکر نیست.

تقریرات اغلب مستشرقین اروپ هم اگر چه مدقق است از سلیقه ماها دور و خالی از ذوق است. اهمیت کلی بتاریخ و اشتقاق حروف داده غالباً از دانستن اصطلاحات زبان بی بهره اند. فرضاً دعوی عیب جوئی از اساتید شعراء فرس میکنند در صورتی که نه طبع شعر فارسی دارند و نه از استعارات شعری مطلع. با وجود این شب و روز مشغول کارند و تصنیفات زیاد همه ساله بطبع میرسانند و از این ممر صاحب اسم میشوند. از ما بین فرنگان آلمانیها در السنه شرقیه خیلی ترقی کرده اند و مطبوعاتشان زیادتر از سایرین است. در روز دوم انجمن شخص آلمانی «والرس» نام تقریری خواند ایراد بر فصاحت بعضی آیه های کلام الله قرآن مجید و خلاصه مقصودش این بود که از فصاحت کلام الله عیب جوئی کرده باشد تا در عربی دانی اسمی بیرون کند. شیوخ مصری و مغربی که حاضر بودند رد قول آلمانی را کرده او را تا حدی مجاب نمودند. روز بعد یکی از شیوخ مصری نطق غزائی بلسان عربی خوانده سخت شخص آلمانی را عقب گذاشت بطوری که آلمانی معاهده کرد نطقش را از جریده گذارشات انجمن محذوف دارد.

آلمانی دیگر که مدتی در ایران سیاحت میکرده و از ابنیه و عمارات قدیم عکس و نقشه برمی داشته است یک نسخه کتاب خودش را تقدیم انجمن نمود.

این بنده قرائتی در توصیف شعرای صوفیه و بیان عقاید آنان بزبان انگلیسی نوشته بود قرائت نمود. از چیزهای دیگر که راجع بلسان و ادبیات فرس و یا دارای اهمیت باشد در انجمن چهاردهم خوانده نشد.

(شمه ای از پذیرائی برای اجزاء انجمن)

روز سیزدهم صفر تمام مأمورین و اجزاء را بعمارت «هتل دو ویل» بضمیافت شب نشینی دعوت کرده بودند. مجلس بدی نبود.

روز شانزدهم صفر مجلس بالی در تماشاخانه شهری مرتب کرده و نیز عده زیادی از اعظام شهر و شیوخ عرب مغربی موعود بودند.

روز هفدهم اسب دوانی و کالسکه‌رانی و مشق سواره نظام بود. بعد از اختتام اسب دوانی سوارهای عرب مشق سواری و تیراندازی کردند. خالی از تماشا نبود. مشقشان خیلی شبیه بمشق سوارهای بختیاری ایران است. اسبهایشان خوب و خودشان خوش قامت و خوش هیكلند. عربهای این صفحات مغرب اغلب سفیدپوست و بلند قامتند و بواسطه امتزاج با بربر و ترک و بعضی از فرنگان کمتر بعربهای عربستان شباهت دارند. دولت فرانسه چندین فوج پیاده و سواره عرب گرفته است. لباس و موسیقان اینها بجزئی تفاوت لباس و موسیقان قدیم اعراب مغربی است. ولی صاحبمنصبان بزرگشان تماماً فرانسه‌اند.

روز نوزدهم صفر کدخدای شهر مأمورین و اجزاء انجمن را بنهار دعوت کرده بود. بعد از اختتام نهار کدخدای برخاسته تقریری تعارف‌آمیز بخواند و چند نفر از حضار تقریری در جواب او ادا نمودند.

این بنده نیز نطقی بزبان فرانسه اظهار تشکر از صاحب منزل و تعارفات رسمانه نسبت بسایر حضار نمود و خالی از اثر نبود.

شب را در عمارت تابستانی فرمانفرما مجلس بال بود و نیز جمع کثیری از اعظام شهر و شیوخ مغربی مدعو بودند. شکوه زیادی داشت و بسیاری خوش گذشت.

در روز بیستم صفر ساعت دوی بعد از ظهر انجمن مستشرقین بریاست وزیر علوم دولت فرانسه مسیو «بین ونو مارتن» در عمارت «قصر قونصلی» جمع شده بعد از دو ساعت مذاکرات رسمانه برچیده شد و انجمن بعد در کپنهاگن پایتخت دانمارک منعقد خواهد گشت.

ضیافت شام مفصلی در همین روز برای وزیر علوم فرانسه در «هتل دو ویل» فراهم آورده سی و دو نفر از اجزاء انجمن مستشرقین را هم دعوت کرده بودند. این بنده هم از مدعوین بود.

روز بعد (۲۱ صفر المظفر) انجمن پراکنده شد. بعضی به اروپا معاودت نموده و برخی بعزم سیاحت بداخله ممالک مغرب رفتند و این بنده بعد از ظهر بیست و یکم صفر حرکت کرده از طریق مارسیل و پاریس بانگلستان مراجعت نمود.

روبهم رفته گذارشات انجمن بخوبی گذشت و این بنده از احدی خلاف آداب انسانیت ندید و جز معقولیت از کارگذاران انجمن مشاهده نمود و هیچ جای شک نیست که چنین محافل متضمن ارتباط تامه و فواید عمده است که نتجایش در آینده ظاهر میشود. اختلاط و ارتباط علما و فضلا و ادباء طوایف مایه بسی سعادتها و علت استحکام ارکان مدنیت و اساس انسانیت است.^۱

عبدالحسین کاشانی

Haraliat suite.

۵۰۲	ای کاش خدا نامه عمرم نوشتی	۴۲۷	کوفستی که خدمت پیرمغان کنم
۵۰۴	ای که آیان ترا عازر شاهنشاهی	۴۴۲	ما بدرگاه جلالت به پناه آمدیم
۵۴۷	شد بهار و گذست موسردی	۴۴۷	همین که قصه آتشوخ بی وفا گویم
۵۵۴	کشتم از آتش می عارض تو گلوری	۴۶۳	فغان همی زدم از روزگار بیامان
۵۵۷	منوا زلف چون زنجیر یاری	۴۶۸	ناذر را خونشند جگر از حسرتت آهوی بین
۵۶۰	سنت در خیل تبار مثل تو سماعی عجیبی	۴۸۰	ای ما مهر افروز من از من چرا رنجیده
		۴۹۳	تا جمالت عاشقانرا زد بوصل خود صلا

Rubaiyat:

۶۶۱	در صحبت آنکسی که صاحب مراست	۶۴۴	اگر آمد و باز بر سره کمر راست
۶۶۱	در هجره دل باست سی در هفت	۶۴۵	از درد فراقش ای باب شکر ناب
۶۶۲	دل با رخ تو سر عشق دارد	۶۴۶	ان لعل در امله ساده باز
۶۶۴	زمانه رهن بدل مگر جفا نکند	۶۴۹	ای دیده تو دیده بر کس دیده
۶۶۵	عشق تو در هر جوی حالی بست	۶۵۱	ای شاه جهان ز من درویش بخش
۶۶۶	عشق تو سی عمر ده را دل خون کرد	۶۵۱	ای هر نفسی نهاده بر کف سا
۶۶۶	عجری دارم که مردن به از او	۶۵۱	این کل زهر هر نفسی می آید
۶۶۸	کاش حافظ سر بودی	۶۵۳	باهر که رخش روسی خورد نگرقت
۶۶۷	کرد شکر تو موزه آه هوا هد کرد	۶۵۴	بگذشت جوانی و غیر الله هراک
۶۶۸	کفک کوفه نظم من کبر بغل شاه	۶۵۴	بلبل هزار خون کل حامل کرد
۶۶۸	گفتم که تو با سر هرامان سی	۶۵۶	تو ماده کلش جوانی عشق است
۶۷۳	می باد خدمت من نهانش میگو	۶۵۸	چون تیغ اهل سرها هیچست
۶۷۳	نه مال من بوحسره دل توان کفت	۶۵۹	خواهی سوزال ما و مال دارد مرا
۶۷۴	نی جهانی تو سزای برداخت	۶۵۹	خیز باده بقم بیاینت بوسیدن
۶۷۵	هر که چون کاغذ و قلم باشند	۶۶۰	در ریغ خوشند تا و صا دانه کل
۶۷۶	هنوز ذکر بودم بر سر زمان باشند		

Mss. 1556 دیوان خواجه حافظ شیرازی

a

Le diwân du célèbre poète Schemseddin Mohammed Schîrakî, surnommé Kakî, né vers 710 (1310), mort 791 (1388),

Un volume en 16^e, 14½ - 8cm, de 694 pages d'un papier fin jaunâtre, 12 lignes à la page en deux colonnes, écriture khalîq très belle, fine et soignée du commencement jusqu'à la fin, encadrements simples de lignes rouges. Diwân au début des Ghazéles, p. 22/23. Le Ms n'est pas daté, peut être il y avait encore une feuille à la fin avec le nom du copiste et la date, mais le Ms est sans doute très vieux et peut remonter au xviii^e siècle. Il a été plusieurs fois relié, et possède aujourd'hui une reliure moderne orientale en cuir rouge.

Ce Ms est fort remarquable par sa rédaction différant de la plupart des Ms et éditions connues, comme la collation va démontrer plus loin. Malheureusement l'ancien Ms n'a pas été conservé en entier; à peu près un quart des feuilles perdues a été remplacé par une copie moderne d'une main très négligée et inexacte. J'ai remplacé ces parties par une copie de ma propre main, mais en quelques endroits je n'ai pu rétablir l'ancien texte avec toute la certitude voulue.

Acheté à Paris chez Geuthner, le 3 sept^r 1906, pour 15 fr.

رتال جامع علوم انسانی

Paul Horn یکی از ایرانشناسان برجسته آلمانی است (۱۸۶۳ - ۱۹۰۸). که یکی از کارهای مهم او طبع لغت فرس اسدی طوسی بوده است.

از نوشته‌های خوب دیگر او رساله‌ای است که در جلد دوم مجموعه مهم... Grundriss در زمینه تاریخ ادبیات فارسی نوشته است و آن در سال ۱۹۰۱ در لایپزیک انتشار یافت. دیگر مقاله‌ای است درباره شاه طهماسب صفوی (۱۸۹۲ در ZDMG). دیگر تاریخ و فرهنگ دین زردشتی است منتشر شده به سال ۱۸۹۷، و جزینها.

مناسبت تجدید یاد از او آن شد که میان نسخه‌های خطی فهرست ناشده کتابخانه ملی اطریش (وین) نسخه‌ای از دیوان خطی حافظ وجود دارد (Mixt 1556) که پل هرن آن را دیده و مطالعه کرده و در معرفی آن یادداشتی به زبان فرانسه نوشته و فهرستی از غزلیات آن نسخه را فراهم آورده و این همه را به خط خویش نوشته است. چون تاکنون نمونه خط فارسی او به چاپ نرسیده است عکس یک صفحه از خط فارسی و یک صفحه از خط فرانسه او را درین جا به چاپ می‌رساند. ضمناً نشان میزان فارسی خوانی او و روش او در نقل مطلب از نسخه خطی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز چاپ و انتشارات

انتشارات حقیقت

(ناشر کتابهای عرفانی و فلسفی)



نشانی انتشارات: تهران، خیابان گاندی، خیابان نهم، پلاک ۲۴. تلفن: ۸۷۷۲۵۲۹؛ فاکس: ۸۷۹۱۶۵۲

مرکز بخش: تهران، خیابان بهشت، کوچه معراج، حسینیه امیرسلیمانی، کتابخانه صالح

کدپستی: ۱۱۱۴۷؛ تلفن: ۵۶۳۳۱۵۱

صندوق پستی: تهران ۱۱۳۶۵-۳۳۵۷